مقاله پژوهشی
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره ۲۳، مهر ۱۴۰۳، ۶۳۴-۶۲۲

رابطه تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی در مادران سرپرست خانواده: یک مطالعه توصیفی

الهام بزرگ[۱]، فرناز کشاورزی ارشدی[۲]

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۳۰ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۳/٤/۱۸ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۳/۷/۲۵ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۷/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: تحمل مشکلات زندگی در مادران سرپرست خانواده به دلیل سبک زندگی متفاوت‌شان منجر به برخی عوارض روان‌شناختی و جسمی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی در مادران سرپرست خانواده بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری شامل تمامی مادران سرپرست خانواده ساکن شهر قم در سال ۱۴۰۲ بود و به روش نمونه‌گیری در دسترس از ارگان‌های کمیته امداد امام خمینی(ره)، آموزش و پرورش و مراکز بهزیستی، ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. مادران از طریق پرسش‌نامه‌های تمایزیافتگی خود (Differentiation of Self Inventory; DSI-46)، آثار سوگ (Hogan Grief Reaction Checklist; HGRC)، سبک‌های اسنادی (Attributional Style Questionnaire; ASQ) و آشفتگی روان‌شناختی (Depression, Anxiety, Stress Scale-21; DASS-21) ارزیابی شده و داده‌ها با آزمون همبستگی Pearson و رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین تمایزیافتگی (r=-۰/۳۹)، اسناد مثبت (r=-۰/۱۶) و رشد شخصی (r=-۰/۳۸) با آشفتگی روان‌شناختی همبستگی معکوس و معنادار و درماندگی ناشی از سوگ (r=۰/۸۴) با آشفتگی روان‌شناختی همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد (P<۰/۰۱).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد تمایزیافتگی، واکنش به سوگ و سبک‌های اسنادی می‌توانند پیش‌بینی کننده آشفتگی روان‌شناختی مادران سرپرست خانواده باشند. به‌نظر می‌رسد با مشاوره پس از رویدادهای تروماتیک مانند مرگ یا طلاق، این زنان آشفتگی‌های روان‌شناختی کمتری را تجربه خواهند کرد.

واژه‌های کلیدی: آشفتگی روان‌شناختی، تمایزیافتگی، واکنش سوگ، سبک‌های اسنادی، مادران سرپرست خانواده

ارجاع: بزرگ ا، کشاورزی ارشدی ف، رابطه تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی در مادران سرپرست خانواده: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، سال ۱۴۰۳، دوره ۲۳ شماره ۷، صفحات: ۶۳۴-۶۲۲.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۲- (نویسنده مسئول) دانشیار، گروه روانشناسی بالینی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه ازاد اسلامی، تهران، ایران
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۸۱۶۳۴، پست الکترونیکی: Far.keshavarzi@gmail.com

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

مقدمه

زنان سرپرست خانوار به دلیل ایفای نقش دوگانه (پدر و مادر) برای فرزندان با مشکلاتی از قبیل ازدست‌دادن درآمد، تربیت فرزندان، اداره امور خانه، کار در خارج از خانه با دستمزد پایین و غیره مواجه می‌شوند. تحمل مشکلات زندگی در این زنان به سبب سبک زندگی متفاوتی که نسبت به سایر زنان دارند منجر به برخی عوامل روان‌شناختی و جسمی شده که در آن‌ها رخ نمایی کند (۱). این زنان که به دلیل فوت یا طلاق، همسر خود که فردی مهم در زندگی است از دست می‌دهند، متحمل تجربه سوگ می‌شوند و سوگ نابهنجار وقتی اتفاق می‌افتد که شدت ماتم به اندازه‌ای باشد که فرد را تحت فشار قرار دهد، به‌طوری‌که به رفتارهای ناسازگارانه پناه ببرد، یا آن‌که مدتی طولانی اسیر ماتم باشد، بدون آن‌که با گذشت زمان فراگشت ماتم پایان پذیرد (۲).

اگر این فقدان، فاقد منابع لازم برای تطبیق با وضعیت جدید باشد، ممکن است سبب از بین رفتن سیستم خانواده گردد که اشکال مختلف سوگ به خودی خود اختلال محسوب نمی‌شود و ۶ ماه بعد از فقدان، اکثر نشانه‌های سوگ کاهش یابد (۴، ۳). یکی از چهارچوب‌های نظری مهم در مورد تجربه سوگ دیدگاه Kubler-Ross و همکارش در مورد مراحل سوگواری است؛ او پنج مرحله متداول سوگ را در همه انواع سوگواری شناسایی کرد (۵). واکنش‌هایی که در فرد داغدیده نسبت به این ضایعه پدید می‌آید جسمی، روانی و رفتاری است، افرادی که در معرض چنین شرایطی قرار می‌گیرند دچار هیجان‌ها و تعارضاتی می‌شوند که محصول فقدان‌ها و آسیب‌های آن‌ها هستند (۶). از طرفی، نوع واکنش به سوگ و تداوم آن می‌تواند به نوع سبک اسنادی (Attributional style) فرد وابسته باشد؛ مفهوم سبک اسنادی برای مشخص کردن انواع تبیین‌هایی استفاده می‌شود که افراد معمولاً در مواجهه با یک رویداد به کار می‌گیرند (۷) و اسنادهای مثبت و منفی با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی، سوگ را پیش‌بینی می‌کنند (۸).

سبک‌های اسنادی روی‌آوردی شناختی-انگیزشی است که روند ادراک علیت را در فرد بررسی می‌کند. در واقع، مفهوم سبک اسناد به سبک تبیینی اشاره دارد که افراد معمولاً برای رویداد معینی ارائه می‌دهند (۹). زمانی که افراد رویدادهای مثبت را به عوامل پایدار، کلی و درونی و وقایع منفی را به عوامل بیرونی ناپایدار و خاص، نسبت دهند، دارای یک سبک اسنادی "سالم" هستند. اما در مقابل هنگامی که رخدادهای منفی را به دلایل درونی، پایدار و کلی نسبت دهند، آن‌ها دارای سبک اسنادی منفی می‌باشند (۱۰).

انتقال سرپرستی خانواده به زنان، مجموعه‌ای از آسیب‌هایی چون سلامت جسمی، روانی و رضایت زندگی به آن‌ها وارد می‌کند (۱۱). تمایزیافتگی خود (Differentiate of self) نیز در سایه استقلال روانی و بلوغ عاطفی شکل می‌گیرد و امری دائمی و پویاست؛ به این معنا که افراد دائماً در تلاش برای حفظ تمامیت روانی خویش هستند (۱۳، ۱۲). تمایزیافتگی از ۴ بخش واکنش‌پذیری عاطفی (Emotional reactivity)، گریز عاطفی (Emotional cutoff)، جایگاه من (I-position) و هم‌جوشی یا هم‌آمیختگی با دیگران (Fusion with others) تشکیل شده است (۱۴). افراد کمتر تمایزیافته به همجوشی با دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در می‌آیند یا به جدایی عاطفی تن می‌دهند و بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمت عاطفی واکنشی اضطرابی نشان می‌دهند (۱۳، ۱).

گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی در دهه‌های گذشته همواره بر شیوع آشفتگی روان‌شناختی (Psychological distress) در میان زنان تأکید نموده است؛ تا جایی‌که در گزارش ویژه این سازمان در ابتدای هزاره جدید میلادی، نیاز به ارتقاء سلامت روان

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

و کاهش آشفتگی روان‌شناختی زنان به عنوان یک امر فوری و ضروری مورد توجه قرار گرفته است (۱۵). آشفتگی روان‌شناختی یک حالت ذهنی ناخوشایند با نشانه‌هایی چون استرس، خلق پایین، اضطراب و افسردگی است که منجر به پایین آمدن سلامت روان شده و بر سطح کارکرد افراد تأثیر می‌گذارد (۱۷، ۱۶).

با استناد به آمارهای رسمی کشور و رشد روز افزون خانوارهای زن سرپرست در دهه گذشته (۱۸)؛ درک رابطه عوامل روان‌شناختی مرتبط با فرایند سوگ و آشفتگی‌های روان‌شناختی می‌تواند اولین گام در یافتن راه‌های کمک به این مادران تنها باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی در مادران سرپرست خانواده انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و جامعه آماری شامل تمامی مادران سرپرست خانواده با دامنه سنی ۲۵ الی ۵۰ سال ساکن شهر قم در سال ۱۴۰۲ بود. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه با در نظر گرفتن پژوهش‌های تحلیل رگرسیون چندگانه که نسبت تعداد نمونه (مشاهدات) به متغیرهای مستقل نباید از ۵ کمتر باشد (۱۹)؛ بنابراین حجم نمونه ۲۰۰ نفر از مادران دانش‌آموزان مدارس شهر قم محاسبه شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس از کمیته امداد امام خمینی (ره)، آموزش و پرورش قم و مراکز بهزیستی انتخاب شدند. این مطالعه با کد اخلاق IR.IAU.CTB.REC.1402.094 در شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به تصویب رسیده است. پس از حضور محقق در مراکز یاد شده با ارائه پرسش‌نامه‌ها به مادران و جلب رضایت خاطر هر یک از آن‌ها بابت محرمانه بودن اطلاعات آن‌ها، به پرسش‌نامه‌های مورد نظر پاسخ داده شد. ویژگی‌های جمعیت شناختی (دموگرافیک) همچون سطح تحصیلات، سن، علت سرپرست شدن مادران مورد بررسی قرار گرفت.

پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود (Differentiation Of Self Inventory; DSI-46): پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود توسط Skowron و Dendy در سال ۱۹۸۹ تهیه شده است (۲۰). این پرسش‌نامه به صورت خودگزارش‌دهی است که از ۴۶ گویه و ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی (۱، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۸، ۴۰)، جایگاه من (۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۳)، گریز عاطفی (۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۲) و هم‌آمیختگی با دیگران (۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶) تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه به‌صورت طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای (ابداً در مورد من صحیح نیست=۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است= ۶) بوده که حداقل امتیاز ممکن ۴۶ و حداکثر ۲۷۶ است. نمره ۴۶ تا ۱۱۵ میزان تمایزیافتگی افراد پایین، نمره ۱۱۶ تا ۱۶۱ میزان تمایزیافتگی افراد متوسط و نمره بالاتر از ۱۶۱ میزان تمایزیافتگی افراد بالا است. کسب نمره بالاتر از ۱۶۱ نشان‌دهنده میزان تمایزیافتگی بالای افراد می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط Skowron و Dendy برای پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود ۰/۸۸ بود (۲۰). به منظور اطمینان از روایی پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در این زمینه نظر خواهی‌شد که روایی محتوایی نیز مورد تأیید قرار گرفت (۲۱). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۰ و زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۸۱ و ۰/۷۴ به‌دست آمد.

سیاهه آثار سوگ Hogan (Hogan Grief Reaction Checklist; HGRC): این ابزار یک سیاهه خودگزارش‌دهی ۶۱ ماده‌ای است که توسط Hogan در سال ۱۹۸۸ طراحی و تهیه

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

شده است (۲۲). ماده‌های این مقیاس، فهرستی از افکار و احساسات متداول در بین داغدیدگان است و چندین واکنش شایع به داغدیدگی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرمقیاس‌های اصلی این سیاهه شامل ۶ عامل ناامیدی (۱، ۳، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۴۰، ۴۷، ۵۵، ۵۹)، رفتار وحشت‌زدگی (۴، ۷، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۴، ۵۰، ۵۲، ۵۶)، رشد شخصی (۲، ۱۰، ۱۲، ۱۹، ۲۴، ۳۰، ۲۶، ۴۱-۴۵، ۵۱، ۶۰، ۶۱)، سرزنش و خشم (۵، ۸، ۱۵، ۳۷، ۴۲، ۴۸، ۵۸)، انفصال و کناره‌گیری (۹، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۵، ۴۳، ۵۳، ۵۴) و درهم‌ریختگی (۲۰، ۲۶، ۳۲، ۳۹، ۴۶، ۴۹، ۵۷). نمره‌گذاری این پرسش‌نامه نیز بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱=به هیچ وجه من را توصیف نمی‌کند تا ۵=خیلی خوب من را توصیف می‌کند) می‌باشد. مجموع نمرات خرده مقیاس‌های آن نمی‌توانند به عنوان یک نمره کل گزارش شوند؛ در واقع هر عامل جنبه منحصر به فردی از سوگ را نشان می‌دهد و بنابراین یک نمره کل برای سوگ Hogan معنادار نخواهد بود (۲۳). با وجود این Gamino و همکاران مجموع نمرات پنج خرده مقیاس ناامیدی، رفتارهای وحشت‌زدگی، خشم و سرزنش، کناره‌گیری و درهم‌ریختگی را به عنوان یک نمره مجزا، با عنوان درماندگی ناشی از سوگ در مقابل عامل رشد شخصی به کار گرفت. به این ترتیب دامنه نمرات در این مقیاس از ۶۱ تا ۳۰۵ است (۲۴). Hogan و همکاران همسانی درونی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۷۹ تا ۰/۹۰ و با استفاده از روش بازآزمایی در دامنه‌ای از ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند (۲۳). در مطالعه Sharifi و همکاران ضرایب همسانی درونی به‌وسیله آلفای کرونباخ برای چهار عامل از ۰/۹۲تا ۰/۹۸ به‌دست آمد. نتایج حاصل از بررسی روایی ملاک، نشان داد که بین عامل‌های سیاهه آثار سوگ Hogan با پرسش‌نامه سلامت عمومی و مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی، همبستگی‌های بالا و معنی‌داری وجود دارد (۲۵). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس درماندگی ناشی از سوگ ۰/۹۵ و رشد شخصی ۰/۸۱ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی (Attributional Style Questionnaire; ASQ): آخرین فرم تجدید نظر شده آن در سال ۱۹۸۲ توسط Peterson و همکاران ارائه شد (۲۶). پرسش‌نامه دارای ۴۸ سؤال بوده و یک وسیله خودگزارشی است. این پرسش‌نامه شامل ۱۲ موقعیت فرضی (شش موقعیت مثبت و شش موقعیت منفی) است و برای تعیین سبک اسنادی افراد یعنی منبع کنترل (درونی/ بیرونی)، میزان پایداری (باثبات/ بی‌ثبات)، کلیت (عمومی/ اختصاصی) و قابلیت کنترل (کنترل‌پذیر/ کنترل‌ناپذیر) استفاده می‌گردد که برای هر موقعیت ۴ سؤال دارد. این پرسش‌نامه اولین بار توسط Sheikh al-Islami در سال ۱۳۷۷ از انگلیسی به فارسی برگردانده شد و در فرهنگ ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. در این پرسش‌نامه، هر ماده از ۱ تا ۷ درجه‌بندی شده است. برای هر یک از ۶ موقعیت مثبت، ۱ پایین‌ترین رتبه و ۷ بالاترین یا بهترین گزینه برای بعد مثبت است. برای ۶ موقعیت منفی، نمره‌گذاری به صورت معکوس است (۲۷). برای محاسبه نمره کل تجارب مثبت، ابتدا نمره‌های تمام سؤالات موقعیت‌های مثبت (۱، ۳، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۲) را با هم جمع می‌کنیم و بعد بر تعداد آن‌ها تقسیم می‌کنیم. بالاترین نمره تجارب مثبت ۲۱ و کمترین آن ۳ است. نمره کل برای رویدادهای منفی با جمع کردن نمره‌های همه سؤالات موقعیت‌های منفی (۲، ۴، ۵، ۷، ۸ و ۱۱) و با تقسیم آن بر تعداد آن‌ها محاسبه می‌شود. امتیازات خود را از ۴۸ عبارت فوق با یکدیگر جمع نمایید. حداقل امتیاز ممکن ۴۸ و حداکثر ۳۳۶ است. نمره بین ۴۸ تا ۱۴۴ حس انسجام پایین، نمره بین ۱۴۴ تا ۱۹۲حس انسجام متوسط و نمره بالاتر از ۱۹۲ حس انسجام بالا است (۲۸). مطالعات متعددی ثبات درونی پرسش‌نامه سبک اسناد را تأیید کرده‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز Heidari و همکاران ضرایب پایایی ماده‌های پرسش‌نامه، برای سبک اسنادی

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

مثبت، از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و تنصیف (Spearman-Brown و Guttman) ۰/۶۹ و ۰/۶۱ و برای سبک اسنادی منفی به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۵۸ و ۰/۴۱ محاسبه شد و به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی از روش روایی سازه (تحلیل عاملی) استفاده شد (۲۸). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ سبک‌های اسناد منفی ۰/۹۱ و اسناد مثبت ۰/۸۷ به‌دست آمد.

آشفتگی روان‌شناختی (Depression, Anxiety, Stress Scale-21; DASS-21): پرسش‌نامه افسردگی، اضطراب، استرس (DASS-21) مقیاسی است که توسط Lovibond و Lovibond در سال ۱۹۹۵ تهیه شد. این مقیاس، یک مقیاس خودگزارشی بود که هر یک از علائم افسردگی، اضطراب و استرس را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد. این مقیاس دارای دو فرم است. فرم کوتاه آن دارای ۲۱ عبارت که هر یک از سه سازه روانی را توسط ۷ سؤال می‌سنجد. آزمودنی‌ها می‌بایست به هر یک از عبارت در یک طیف چهار گزینه‌ای (اصلاً =۰ تا خیلی زیاد =۳) جواب دهند. سؤالات (۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۱) برای خرده مقیاس افسردگی، سؤالات (۲، ۴، ۷، ۹، ۱۵، ۱۹، ۲۰) برای اضطراب و سؤالات (۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۸) برای استرس تعیین شدند. علاوه بر این، در این پرسش‌نامه همه سؤالات به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌گردد (۲۹). در پژوهش Antony و همکاران نیز ضریب آلفای کرونباخ برای افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۲ و ۰/۹۵ به‌دست آمد (۳۰). هم‌چنین، در ایران اعتبار بازآزمایی برای مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب برابر ۰/۸۰، ۰/۷۴ و ۰/۷۸ گزارش شد (۳۱). هم‌چنین، در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاس‌های افسردگی ۰/۸۵، اضطراب ۰/۸۲ و استرس ۰/۸۷ به‌دست آمده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۸ استفاده شد. داده‌های به‌دست آمده در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در بخشی توصیفی از درصد، میانگین، انحراف استاندارد و فراوانی استفاده شد و در بخش استنباطی با توجه به ماهیت سؤال اصلی و فرضیه‌های پژوهش، آزمون همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. قبل از اجرای آزمون‌های آماری مذکور، پیش‌فرض‌های آماری این آزمون‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. جهت بررسی پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها از مقادیر کجی و کشیدگی، جهت بررسی استقلال باقی مانده‌ها (عدم وجود همبستگی سریالی بین باقی‌مانده‌ها یا خطاها) از آزمون Durbin-Watson و جهت بررسی عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین از آماره‌های عامل تورم واریانس (Variance Inflation Factor; VIF) و تحمل (Tolerance) استفاده شد. سطح معنی‌داری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

تعداد ۲۰۰ نفر آزمودنی مادر سرپرست خانواده که پرتکرارترین علت در زمینه سرپرستی آن‌ها مربوط به فوت همسر (۵۵ نفر، ۲۷/۵ درصد) و ترک شدن توسط همسرانشان (۵۱ نفر، ۲۵/۵ درصد) بود. میزان تحصیلات بیشتر افراد شرکت کننده سیکل (۶۹ نفر، ۳۴/۵ درصد) بود و از نظر سنی بیشتر مادران ۴۱ تا ۵۰ سال (۹۰ نفر، ۴۵ درصد) داشتند.

بر طبق جدول ۱، میانگین نمره مقیاس تمایزیافتگی در نمونه پژوهش برابر با ۱۴۱/۷۲ بود که در بین مؤلفه‌های آن بالاترین میانگین را مؤلفه گریز عاطفی با میانگین ۴۱/۰۰ و کمترین میانگین را مؤلفه واکنش‌پذیری عاطفی با میانگین ۲۸/۲۷ داشت. میانگین نمره مؤلفه درماندگی ناشی از سوگ برابر با ۱۴۳/۷۰ و میانگین نمره مؤلفه رشد شخصی برابر با ۴۱/۹۴ بود. میانگین نمره اسناد منفی برابر با ۱۲/۰۶ و میانگین نمره اسناد مثبت برابر با ۱۴/۲۲ بود. میانگین نمره مقیاس آشفتگی روان‌شناختی برابر با ۳۰/۸۸ بود که میانگین نمره مؤلفه افسردگی برابر با ۱۰/۱۸،

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

میانگین نمره مؤلفه اضطراب برابر با ۹/۸۲ و میانگین نمره مؤلفه استرس برابر با ۱۰/۸۸ بود. هم‌چنین، بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان داد با توجه به این که مقادیر کجی و هم‌چنین مقادیر کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه ۲+ تا ۲- به‌دست آمد که می‌توان نتیجه گرفت که تمامی متغیرها از توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال برخوردارند و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک مانند همبستگی Pearson و رگرسیون خطی استفاده کرد.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در زنان سرپرست خانواده شهر قم در سال ۱۴۰۲ (n=۲۰۰)

متغیرها		آماره‌های توصیفی			شاخص‌های نرمال بودن	
		میانگین	میانه	انحراف	کجی	کشیدگی
تمایزیافتگی	واکنش‌پذیری عاطفی	۲۸/۲۷	۲۸/۰۰	۷/۱۵	۰/۳۶۵	۰/۵۶۶
	جایگاه من	۳۸/۲۴	۳۸/۰۰	۷/۷۱	-۰/۲۰۱	۱/۳۲
	گریز عاطفی	۴۱/۰۰	۴۲/۰۰	۷/۶۳	-۰/۴۳۲	۰/۵۰۶
	هم‌آمیختگی با دیگران	۳۴/۲۱	۳۲/۰۰	۸/۹۸	۰/۸۵۰	۰/۱۸۷
	کل	۱۴۱/۷۲	۱۳۷/۰۰	۲۱/۳۸	۰/۸۵۲	۰/۵۸۴
واکنش سوگ	درماندگی ناشی از سوگ	۱۴۳/۷۰	۱۵۰/۰۰	۳۴/۸۷	-۰/۳۳۳	-۰/۸۱۱
	رشد شخصی	۴۱/۹۴	۴۳/۰۰	۸/۵۲	-۰/۸۱۳	۰/۹۱۹
سبک‌های اسنادی	اسناد منفی	۱۲/۰۶	۱۲/۲۵	۱/۵۲	-۰/۴۳۵	-۰/۱۴۰
	اسناد مثبت	۱۴/۲۲	۱۴/۳۷	۱/۵۳	-۰/۱۷۰	-۰/۵۶۶
آشفتگی روان‌شناختی	افسردگی	۱۰/۱۸	۹/۰۰	۵/۳۶	۰/۲۴۲	-۰/۶۳۵
	اضطراب	۹/۸۲	۱۰/۰۰	۵/۲۴	۰/۱۴۸	-۰/۷۴۶
	استرس	۱۰/۸۸	۱۱/۰۰	۳/۴۸	-۰/۳۴۹	-۰/۰۹۸
	کل	۳۰/۸۸	۳۰/۰۰	۱۲/۳۱	۰/۰۷۱	-۰/۷۸۱

نتایج جدول ۲ نشان داد در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد همبستگی معنی‌داری بین تمایزیافتگی و چهار مؤلفه آن شامل واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من و گریز عاطفی با آشفتگی روان‌شناختی مشاهده شد که جهت رابطه‌ها مثبت بود. شدت همبستگی تمایزیافتگی با آشفتگی روان‌شناختی برابر با ۰/۳۹- بود که مقدار ضعیفی بود. مطابق نتایج، همبستگی معنی‌داری بین هر دو مؤلفه واکنش سوگ یعنی درماندگی ناشی از سوگ و رشد شخصی با آشفتگی روان‌شناختی مشاهده شد (P<۰/۰۵). جهت همبستگی بین درماندگی ناشی از سوگ با آشفتگی روان‌شناختی، مستقیم بود و جهت همبستگی بین رشد شخصی با آشفتگی روان‌شناختی، معکوس بود. شدت همبستگی درماندگی ناشی از سوگ با آشفتگی روان‌شناختی مقداری قابل توجه بود و برابر با ۰/۸۴ محاسبه گردید. یافته‌ها نشان داد از بین سبک‌های اسنادی، فقط سبک اسناد مثبت با آشفتگی روان‌شناختی همبستگی معکوس داشت و شدت همبستگی برابر با ۰/۱۶- بود (P<۰/۰۵). بین سبک اسناد منفی با آشفتگی روان‌شناختی همبستگی معنی‌داری مشاهده نشد (P>۰/۰۵).

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

جدول ۲- ماتریس همبستگی Pearson بین متغیرهای پژوهش در زنان سرپرست خانواده شهر قم در سال ۱۴۰۲ (n=۲۰۰)

متغیرهای پیش‌بین	افسردگی		اضطراب		استرس		آشفتگی روان‌شناختی (کل)	
	ضریب همبستگی	مقدار P	ضریب همبستگی	مقدار P	ضریب همبستگی	مقدار P	ضریب همبستگی	مقدار P
واکنش‌پذیری عاطفی	-۰/۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۵۸	<۰/۰۰۱	-۰/۴۶	<۰/۰۰۱	-۰/۴۸	<۰/۰۰۱
جایگاه من	-۰/۳۶	<۰/۰۰۱	-۰/۴۴	<۰/۰۰۱	-۰/۳۷	<۰/۰۰۱	-۰/۴۵	<۰/۰۰۱
گریز عاطفی	-۰/۱۹	۰/۰۰۸	-۰/۱۱	۰/۱۲۴	-۰/۲۰	۰/۰۰۳	-۰/۱۹	۰/۰۰۸
هم‌آمیختگی با دیگران	۰/۱۲	۰/۰۸۴	-۰/۱۶	۰/۰۲۰	۰/۰۵	۰/۴۹۶	-۰/۰۰۳	۰/۹۶۷
تمایزیافتگی (کل)	-۰/۲۲	۰/۰۰۱	-۰/۴۶	<۰/۰۰۱	-۰/۳۴	<۰/۰۰۱	-۰/۳۹	<۰/۰۰۱
درماندگی ناشی از سوگ	۰/۷۱	<۰/۰۰۱	۰/۷۵	<۰/۰۰۱	۰/۷۴	<۰/۰۰۱	۰/۸۴	<۰/۰۰۱
رشد شخصی	-۰/۴۵	<۰/۰۰۱	-۰/۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۳۰	<۰/۰۰۱	-۰/۳۸	<۰/۰۰۱
اسناد منفی	۰/۰۹	۰/۲۲۰	۰/۰۸	۰/۲۵۶	-۰/۰۲	۰/۷۷۳	۰/۰۷	۰/۳۴۹
اسناد مثبت	-۰/۲۵	<۰/۰۰۱	-۰/۰۶	۰/۴۰۵	-۰/۰۹	۰/۱۷۹	-۰/۱۶	۰/۰۲۳

در راستای بررسی نقش تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی آشفتگی روان‌شناختی به بررسی پیش‌فرض‌های آنالیز رگرسیون و آماره‌های آنووا و ضریب تعیین پرداخته شد.

جهت بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها (عدم وجود همبستگی سریالی بین باقی‌مانده‌ها یا خطاها) از آزمون Durbin–Watson استفاده شد. مقدار این آزمون برابر با ۱/۹۷ به‌دست آمد که در بازه مورد قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت و مفروضه استقلال باقی‌مانده‌ها تأیید شد (۳۲). مفروضه عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین با آماره‌های عامل تورم واریانس (VIF) و تولرانس (Tolerance) آزمون شد که مقادیر عامل تورم واریانس کمتر از ۵ یا مقادیر تولرانس بیشتر از ۰/۲۰ به معنای عدم هم‌خطی شدید است و مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه برقرار بود (۱۹). به منظور سنجش مفروضه نرمال بودن مقادیر خطا، با توجه به این که مقادیر خطا (نقاط) بر روی قطر شکل قرار دارند و انحراف شدیدی از قطر مشاهده نشد، می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر خطای رگرسیونی دارای توزیع نرمال هستند و مفروضه نرمال بودن مقادیر خطا یا باقی‌مانده رگرسیونی تأیید می‌شود. نتایج آزمون رگرسیون (ضرایب) در جدول ۳ آمده است.

قبل از انجام آزمون رگرسیون به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی با متغیر وابسته آشفتگی روان‌شناختی پرداخته شد که نتایج آزمون‌های آماری نشان داد بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با آشفتگی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (P>۰/۰۵). بر این اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی وارد مدل رگرسیونی نشدند و فقط متغیرهای اصلی به عنوان متغیرهای پیش‌بین به روش هم‌زمان (Enter) به مدل رگرسیونی وارد شدند.

یافته‌ها نشان داد مقدار آزمون F برابر با ۹۳/۷۴ به‌دست آمد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ قرار داشت (P<۰/۰۰۱) و بیان‌گر برازش مناسب مدل رگرسیونی بود و نشان داد متغیرهای پیش‌بین توانستند به طور معنی‌داری آشفتگی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند. ضریب تعیین یا R^2 مقدار واریانس متغیر ملاک که توسط

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

متغیرهای پیش‌بین تبیین شده است را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۶۹۹ بود و نشان داد تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی توانستند ۶۹/۹ درصد از واریانس یا تغییرات آشفتگی روان‌شناختی را تبیین کنند که این بیانگر قدرت تبیین بالای مدل پژوهش بود.

یافته‌های جدول ۳ نشان داد نقش پیش‌بین متغیر درماندگی ناشی از سوگ در پیش‌بینی آشفتگی روان‌شناختی تأیید شد و بر این اساس درماندگی ناشی از سوگ توانست آشفتگی روان‌شناختی را پیش‌بینی کند (P<۰/۰۵). جهت تأثیر درماندگی ناشی از سوگ بر آشفتگی روان‌شناختی، مثبت بود و نشان داد افزایش درماندگی ناشی از سوگ با افزایش آشفتگی روان‌شناختی همراه بود. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده نشان داد قوی‌ترین تأثیر بر آشفتگی روان‌شناختی را درماندگی ناشی از سوگ با ضریب ۰/۸۳۵ داشت. یافته‌ها هم‌چنین نشان داد تأثیر متغیرهای تمایزیافتگی، رشد شخصی، اسناد منفی و اسناد مثبت تأیید نشد (P>۰/۰۵). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که واکنش درماندگی ناشی از سوگ عامل اصلی در تبیین آشفتگی روان‌شناختی بوده است

جدول ۳- ضرایب رگرسیون خطی چندگانه به منظور پیش‌بینی آشفتگی روان‌شناختی بر اساس تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی در زنان سرپرست خانواده در سال ۱۴۰۲ (n=۲۰۰)

متغیر پیش‌بین	ضریب استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده	مقدار t	مقدار P	شاخص‌های هم‌خطی	
						تولرانس	تورم واریانس
مقدار ثابت	-۳/۸۵	۸/۲۲۷		-۰/۴۷	۰/۶۴۰		
تمایزیافتگی	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۰۹	-۰/۱۹	۰/۸۵۱	۰/۷۱۶	۱/۴۰
درماندگی ناشی از سوگ	۰/۲۹۵	۰/۰۱۸	۰/۸۳۵	۱۶/۵۲	<۰/۰۰۱	۰/۵۹۰	۱/۷۰
رشد شخصی	-۰/۰۵۰	۰/۰۶۷	-۰/۰۳۴	-۰/۷۴	۰/۴۶۳	۰/۶۹۲	۱/۴۵
اسناد منفی	-۰/۶۱۵	۰/۳۳۱	-۰/۰۷۶	-۱/۸۵	۰/۰۶۵	۰/۸۹۸	۱/۱۱
اسناد مثبت	۰/۱۸۰	۰/۳۴۶	۰/۰۲۲	۰/۵۲	۰/۶۰۴	۰/۸۱۰	۱/۲۳

بحث

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین رابطه تمایزیافتگی، واکنش سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی در مادران سرپرست خانواده بود. نتایج نشان داد که رابطه معکوس و معنی‌داری بین نمره کل تمایزیافتگی با نمره کل آشفتگی روان‌شناختی مشاهده شد که بیانگر این است افزایش تمایزیافتگی با کاهش آشفتگی روان‌شناختی همراه است و هم‌چنین رابطه معکوس و معنی‌داری بین نمره کل تمایزیافتگی با هر سه مؤلفه افسردگی، اضطراب و استرس بود و قوی‌ترین همبستگی بین تمایزیافتگی با مؤلفه اضطراب مشاهده شد.

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با مطالعات پیشین همچون Lesani و همکاران (۳۳)، Lampis و همکاران (۳۴)، Aflaki Fard و همکاران (۱) همسو بود که نشان دادند تمایزیافتگی، سبک‌های اسنادی و سوگ با آشفتگی روان‌شناختی مادران سرپرست خانواده رابطه دارند. در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان داشت زیرمقیاس‌های تمایزیافتگی همچون واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من، نقش به‌سزایی در آشفتگی روان‌شناختی زنان سرپرست خانواده داشته باشند به‌طوری‌که با افزایش واکنش‌پذیری و تقویت جایگاه من شاهد کاهش اضطراب، افسردگی و استرس باشیم.

هم‌چنین، دو واکنش به سوگ (درمانگی ناشی از سوگ و رشد شخصی) رابطه معنی‌داری با هر سه زیر مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس از آشفتگی روان‌شناختی داشته‌اند. دیگر نتایج

CCBY-NC.4.0 DEED

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

این پژوهش نشان داد درماندگی ناشی از سوگ با آشفتگی روان‌شناختی رابطه مثبت و رشد شخصی با آشفتگی روان‌شناختی رابطه منفی وجود دارد و عدم تحمل بلاتکلیفی، احساس انسجام روانی و انعطاف‌پذیری شناختی در مجموع ۶۳ درصد از واریانس آشفتگی روانی را تبیین می‌کند. هم‌چنین، در پژوهش Norouzi و همکاران نشان داده شد احساس انسجام روانی و انعطاف‌پذیری شناختی به صورت مثبت و معنادار اثر عدم تحمل بلاتکلیفی بر آشفتگی روانی را میانجی‌گری می‌کند (۳۵). از آن‌جایی‌که زنان سرپرست خانواده در مقایسه با سایر زنان دچار مشکلات روان‌شناختی بیشتری هستند و علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی با برخی فشارهای منفی اجتماعی همچون نگرش منفی نسبت به زنان بیوه و مطلقه روبه‌رو می گردند، البته نوع استرسورها، میزان حمایت‌های دریافتی، شدت علاوم افسردگی در میان مادران مجرد و فاقد فرزند از مادران متأهل متفاوت بوده و عمده‌ترین استرسورها برای مادران سرپرست خانوار می‌باشد (۳۶).

در نتایج پژوهش مشاهده شد که بین سه مؤلفه واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من و گریز عاطفی از مقیاس تمایزیافتگی با نمره کل آشفتگی روان‌شناختی رابطه معنی‌داری وجود دارد و قوی‌ترین رابطه از سوی واکنش‌پذیری عاطفی به‌دست آمده است. بنابراین، مادران سرپرست نیاز شدید به شغل خواهند داشت تا نبود همسران‌شان را برای اعضای خانواده جبران کنند و لذا اشتغال پایدار مهم‌ترین بحث در زندگی زنان سرپرست خانوار است. سبک اسنادی مثبت با تلاشی که برای استقلال خود انجام می‌دهد عزت نفس و خودکارآمدی مادران را تقویت می‌کند و اضطراب، افسردگی و استرس را در مادران سرپرست خانواده کاهش می‌یابد (۳۷).

سبک‌های اسنادی منفی باعث می‌شوند که فرد احساس بی‌کفایتی و نالایقی نموده و روز به روز عزت نفس آن‌ها کاهش یابد که به مرور آشفتگی روان‌شناختی را با خود به همراه خواهد داشت و دوره‌های مهارت‌آموزی جهت برطرف نمودن فقر قابلیتی، تأمین اشتغال ثابت همراه با بیمه، جایگزین کردن سیاست‌های اجتماعی منفعل با سیاست‌های فعال در جهت سازگار کردن شرایط اشتغال زنان سرپرست خانوار با مسئولیت‌های خانوادگی، گام‌هایی عملی در رفع مشکلات زندگی آنان خواهد بود (۳۸).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر فقط زنان سرپرست ساکن در شهر قم مطالعه شدند و تعمیم‌دهی آن به شهرهای بزرگ و دیگر استان‌ها لازم است با احتیاط صورت گیرد. هم‌چنین، متغیرهای جمعیت شناختی مانند طول مدت پذیرش مسئولیت سرپرستی و سطح اجتماعی-اقتصادی در این پژوهش به آن‌ها پرداخته نشد. پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در جامعه آماری بزرگ‌تر انجام گیرد و متغیر تعداد فرزندان تحت سرپرستی و شغل زنان سرپرست نیز در مقایسه پژوهشی مدنظر قرار گیرد و از آن‌جایی که این پژوهش از نوع همبستگی بود لذا می‌توان از پژوهش‌های مدل‌یابی و اثربخشی نیز در مطالعات آتی بهرمند شد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تمایزیافتگی خود، واکنش به سوگ و سبک‌های اسنادی با آشفتگی روان‌شناختی زنان سرپرست خانواده رابطه معنی‌داری دارند. هم‌چنین، افزایش تمایزیافتگی با کاهش آشفتگی روان‌شناختی همراه است و زیرمقیاس‌های تمایزیافتگی همچون واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من، نقش به‌سزایی در آشفتگی روان‌شناختی زنان سرپرست خانواده داشته باشند. در نهایت می‌توان گفت مادرانی که درماندگی ناشی از سوگ در آن‌ها بیشتر باشد، آشفتگی روان‌شناختی بیشتری داشته و اضطراب، افسردگی و استرس بیشتری را نسبت به مادران با رشد شخصی بالا تجربه می‌کنند. از لحاظ کاربردی با آموزش و مداخله در راستای تقویت رشد شخصی

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

این مادران می‌توان شاهد کاهش آشفتگی روان‌شناختی مادران سرپرست خانواده بود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی نویسنده اول از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می‌باشد. به این وسیله از معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به دلیل تصویب طرح پژوهشی پایان‌نامه برای اجرا و نیز از تمامی شرکت‌کنندگان محترم در پژوهش که در تکمیل پرسش نامه‌های این پژوهش ما را یاری رساندند کمال تشکر را داریم.

تعارض در منافع: از طرف نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافعی در مقاله گزارش نشده است.

حامی مالی: پژوهش حاضر فاقد هرگونه حمایت مالی از جانب سازمان‌های دولتی یا خصوصی بوده است.

ملاحظات اخلاقی (کد اخلاق): این پژوهش تحت شناسه اخلاق IR.IAU.CTB.REC.1402.094 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شد.

مشارکت نویسندگان

- **طراحی ایده:** الهام بزرگ
- **روش کار:** الهام بزرگ
- **جمع‌آوری داده‌ها:** الهام بزرگ
- **تجزیه و تحلیل داده‌ها:** الهام بزرگ
- **نظارت:** فرناز کشاورزی ارشدی
- **مدیریت پروژه:** فرناز کشاورزی ارشدی
- **نگارش – پیش‌نویس اصلی:** فرناز کشاورزی ارشدی، الهام بزرگ
- **نگارش – بررسی و ویرایش:** فرناز کشاورزی ارشدی، الهام بزرگ

References

1. Aflaki Fard H, Ghaleh Noei M, Ramezan Khani S. Comparison Psychological Hardiness, selfdifferentiation and psychological burnout in female-headed households and normal women in Marvdasht. *Tech Edu J* 2022; 1-14. [Farsi]
2. Worden JW. Grief counseling and grief therapy: A handbook for the mental health practitioner: Springer Publishing Company; 2018, pp: 23-35.
3. Rosner R, Pfoh G, Kotoučová M. Treatment of complicated grief. *EJPT* 2011; 2 (1): 79-95.
4. Mohammadi A, Shafiabady A, Fatahi Andabil A. Studying the Effectiveness of Vocational Empowerment Based on Shafiabady's Multi-Axial Pattern of Vocational Choice (SMPVC) on Job Engagement and Self-Efficacy of Female-Headed Households in Tehran City, Iran. *MEJDS* 2022; 12: 49. [Farsi]
5. Kubler-Ross E, Kessler D. On grief and grieving: Finding the meaning of grief through the five stages of loss. Simon and Schuster; 2014: 86-9.
6. Safarnia A, Ahmadi V, Mami S. Evaluation and Comparison of the Effectiveness of Intensive and Short-Term Psychotherapy and Mindfulness-Based Cognitive Therapy on the Mental Pain of Earthquake Victims of Sir Paul Zahab City. *Journal of Excellence in Counseling and Psychotherapy* 2019; 30: 29-39. [Farsi]
7. Erfani N, Maleki H. Predicting academic burnout based on attribution styles and goal orientation of female students. *IJIRES* 2015; 2(1): 37-42. [Farsi]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

8. Shirmohammadi S, Khakpour R, Niknam M. Prediction of parental bereavement experience based on attributional style in female students with mediation of psychological well-being. *JHPM* 2023; 12(4): 100-11. [Farsi]
9. Kareshki H, Mohamma Taghizade N, Miri S. Evaluation of the model of achievement goals in mediate the relationship between test anxiety and positive attributional biases. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences* 2017; 7(1): 1-16. [Farsi]
10. Liu MT, Wang F, Peng K. The Depressive attribution style is not that depressive for buddhists. *Front.Psychol* 2017; 28(8): 1003-10.
11. Shafiabady A, Mohammadi A, Fatahi Andabil A. The Effectiveness of Vocational Empowerment Based on Multiaxial Pattern of Vocational Choice (SMPVC) on Improvement of Job Engagement Among Female Heads of Families in Tehran. *Journal of Instructio and Evaluation* 2022; 15(57): 39-62. [Farsi]
12. Khosravi J, Moradi O, Ahmadian H, Yoosefi N. The Causal Model of Emotional Divorce Trend Based on Self-Differentiation through Marital Affliction Mediation. *Quarterly Journal of Woman and Society* 2021; 12(46): 159-72. [Farsi]
13. Bakhshizadeh F, Samani S, Khayyer M, Sohrabi N. A Causal model, for, sexual role Schema, sexual knowledge and self-differentiation. *Psychological Models and Methods* 2018; 9(33): 21-34. [Farsi]
14. Rafezi Z, Saboori R. The Role of Self-Differentiation Components in Predicting Marital Intimacy in Couples. *Counseling Culture and Psycotherapy* 2022; 13(51): 181-205. [Farsi]
15. Sadeghzadeh M, Askari Z, Khormaei F. The Relationship between Self-Criticism and Sensitivity to Rejection with Psychological Distress in Female Students: Mediating Role of Self-silencing. *JWSPS* 2022; 20(2): 127-55. [Farsi]
16. Mahbubi T. Effectiveness of the Cognitive-based Training of Hope Enhancement in Psychological Distress of Payame Noor University students. *Social Cognition* 2019; 8(1): 51-64. [Farsi]
17. Egan M, Daly M, Delaney L. Adolescent psychological distress, unemployment, and the Great Recession: Evidence from the National Longitudinal Study of Youth 1997. *Soc Sci Med* 2016; 156: 98-105.
18. Khazaeian S, Kariman N, Ebadi A, Nasiri M. The impact of social capital and social support on the health of female-headed households: A systematic review. *Electronic Physician* 2017; 9(12): 6027. [Farsi]
19. Habibi A, Kolahi B. Structural equation modeling and factor analysis. Tehran: University Jihad, second edition. 2022, pp: 69-71. [Farsi]
20. Skowron EA, Dendy AK. Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemp Fam Ther* 2004; 26(3): 337-57.
21. Sanai B, Alaghemand S, Falahati S, Homan A. Family and Marriage Measurement Scales. Print 3, Tehran Ba'ath Publications. 2016, pp: 56-58. [Farsi]
22. Hogan R. Hogan Personality Inventory. *Meas Eval Couns Dev* 1986; 21(3): 139-40.
23. Hogan NS, Greenfield DB, Schmidt LA. Development and validation of the Hogan Grief Reaction Checklist. *Death Studies* 2001; 25: 1-32.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

24. Gamino LA, Sewell KW, Easterling LW. Scott and White grief study-phase 2: Toward an adaptive model of grief. *Death Studies* 2000; 23: 633-60.
25. Sharifi M, Fatehizade M, Ahmadi SA. Psychometric Properties of the Hogan Grief Reaction Checklist in Iranian Bereaved Families. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2013; 14 (3): 69-79. [Farsi]
26. Peterson C, Semmel A, Von Baeyer C, Abramson LY, Metalsky GI, Seligman MEP. The attributional style questionnaire. *COTR* 1982; 6: 287-300.
27. Talebiayan S, Barzegar Bafrooei K. Investigating the role of attributional styles in attitudes toward online learning mediated by coronary anxiety disorder in Yazd University students. *JSC* 2022; 2(1): 1-18. [Farsi]
28. Heidari S, Maktabi G, Shehni Yailagh M. The Comparison of Attribution Styles and Self-handicapping of Successful and Unsuccessful Female High School Students in Ahvaz, Controlling for Intelligence. *Psychological Achievements* 2012; 19(1): 43-62. [Farsi]
29. Lovibond PF, Lovibond SH. The Structure of negative emotional States: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the beck Depression and Anxiety inventories. *BRAT* 1995; 33(3): 335-43.
30. Antony MM, Bieling PJ, Cox J, Enns MW, Swinson RP. Psychometric Properties of the 42- item and 21- item Version of the Depression Anxiety Stress Scales in Clinical Groups and a Community Sample. *Psychological Assessment* 2006; 2: 176-81.
31. Amiri S, Ghasemi Nawab A, Yaghouvi A. Reliability, validity and factor analysis of the Persian version of the adolescent stress Questionnaire. *Educational Measurement Quarterly* 2016; 7(25): 89-116. [Farsi]
32. Durbin J, Watson GS. Testing for Serial Correlation in Least Squares Regression, I. *Biometrika* 1950; 37(3-4): 409-28.
33. Lesani D, Masoumeh-Makvandi BN, Farah-Hafezi F. Relationship of self-differentiation and social intelligence with happiness by mediating role of difficulty in cognitive emotion regulation among female-headed households. *MEJRH* 2020; 7(3): 1-7. [Farsi]
34. Lampis J, Cataudella S, Agus M, Busonera A, Skowron EA. Differentiation of self and dyadic adjustment in couple relationships: A dyadic analysis using the actor-partner interdependence model. *Family Process* 2019; 58(3): 698-715.
35. Norouzi S, Bashardoust S, Mojtabaie M. Presenting a structural model for predicting mental disorders based on intolerance of uncertainty mediated by a sense of psychological cohesion and cognitive flexibility in students. *MUMS* 2022; 65(2): 514-28. [Farsi]
36. Khodaei L, Antesar Foumany GH. The relationship between the attributive styles and the stress coping styles with the psychological capital of female headed household Zanjan. *JNIP* 2017; 1(1): 39-50. [Farsi]
37. Fardafshari S, Pourshahriar H, Shokri O, Fathabadi J. Relationship between Optimism and Psychological Distress for University Students: The Mediating Role of Perceived Academic Control. *SiLeT* 2018; 9(2): 1-19. [Farsi]

Sadrnabavi F, Fouladiyan M, Daneshvar H, Aghasizadeh M. A Narrative Study of the Women heads of households' lives under the sponsorship of the Imam Khomeini Relief Committee. *Journal of Woman and Family Studies* 2022; 10(1): 84-106. [Farsi]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]

CCBY-NC.4.0 DEED

The Relationship between Differentiation, Bereavement Reaction, and Attributional Styles and Psychological Disturbance in Mothers Headed of Household: A Descriptive Study

Elham Bozorg[1], Farnaz Keshavarzi Arshadi[2]

Received: 19/05/24 Sent for Revision: 08/07/24 Received Revised Manuscript: 16/10/24 Accepted: 20/10/24

Background and Objectives: Enduring life problems in mothers who are heads of the family lead to some psychological and physical complications due to their different lifestyles. The purpose of this study was to determine the relationship between differentiation, bereavement reaction, and attributional styles and psychological disturbance in mothers who are the head of the family.

Materials and Methods: In the current descriptive study, the statistical population included all the heads of families living in Qom in 2023, and 200 people were selected by covenience sampling from the Imam Khomeini (RA) Relief Committee, Education Departement, and welfare centers. Mothers were evaluated through Differentiation of Self Inventory (DSI-46), Hogan's Grief Reaction Checklist (HGRC), Attributional Style Questionnaire (ASQ), and Depression, Anxiety, Stress Scale-21 (DASS-21), and data were analyzed by Pearson's correlation test and multiple linear regression.

Results: The results showed that there is a significant inverse correlation coefficient between differentiation (r=-0.39), positive documents (r=-0.16), and personal growth (r=-0.38) and psychological disturbance, and a significant direct correlation between helplessness caused by bereavement (r=0.84) and psychological disturbance (p<0.01).

Conclusion: The results of the present study showed that differentiation, reaction to bereavement, and attributional styles can predict the psychological disturbance of mothers who are heads of the family. It appears that with counseling after traumatic events such as death or divorce, these women will experience less psychological disturbances.

Keywords: Psychological disturbance, Differentiation, Bereavement reaction, Attributional styles, Mothers headed of household

Funding: This study did not have any funds.

Conflict of interest: None declared.

Ethical considerations: The Ethics Committee of Islamic Azad University of Central Tehran branch approved this study (IR.IAU.CTB.REC.1402.094).

Authors' contributions:

- **Conceptualization:** Elham Bozorg
- **Methodology:** Elham Bozorg
- **Data collection:** Elham Bozorg
- **Formal analysis:** Elham Bozorg
- **Supervision:** Farnaz Keshavarzi Arshadi
- **Project administration:** Farnaz Keshavarzi Arshadi
- **Writing – original draft:** Farnaz Keshavarzi Arshadi, Elham Bozorg
- **Writing – review & editing:** Farnaz Keshavarzi Arshadi, Elham Bozorg

Citation: Bozorg E, Keshavarzi Arshadi F. The Relationship between Differentiation, Bereavement Reaction, and Attributional Styles and Psychological Disturbance in Mothers Headed of Household: A Descriptive Study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2024; 23 (7): 622-34. [Farsi]-

1- MA Student in Clinical Psychology, Dept.of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
2- Associate Prof., Dept. of Clinical Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ORCID: 0000-0003-4705-8579 (Corresponding Author) Tel: (021) 22481634, E-mail: Far.keshavarzi@gmail.com .

CCBY-NC.4.0 DEED

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/jrums.23.7.622]